

نامه به سردبیر

تحلیلی بر گزارش پروژه استنفورد - ایران ۲۰۴۰

گروه پژوهش فرهنگستان علوم پزشکی*

مقدمه

اتاق‌های فکری زیادی در آمریکا، علاوه بر رصد تحولات داخلی کشورمان، به آینده‌نگاری با هدف هدایت جریان‌های داخل کشور به سوی اهداف مورد نظر خود به‌وجود آمده است. یکی از ترفندهای جدید، استفاده از دانشگاه‌های معروف و نیز مهاجران تحصیل کرده ایرانی برای ترسیم آینده جمهوری اسلامی است. مهاجران ایرانی با محیط‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و علمی ایران آشنایی کامل دارند، بر زبان فارسی مسلط هستند، و در داخل کشور دوستانی دارند که می‌توانند در صورت لزوم، اطلاعات داخلی مورد نیاز را در اختیار آنان قرار دهند. با توجه به مزیت‌های یاد شده، پروژه‌ای با نام استنفورد - ایران ۲۰۴۰ در سال ۲۰۱۶ با هدف به‌کارگیری دانشجویان و اعضای هیئت علمی ایرانی مقیم خارج از کشور برای آینده‌نگاری و ترسیم سناریوهای مختلف برای اهداف آنان شروع به کار کرد. از این پروژه تا کنون ۷ مستند منتشر شده است که در تمامی آن‌ها عنوان شده که این پروژه صرفاً دانشگاهی است و حامی یا دنبال‌کننده هیچ طرز فکر سیاسی نیست.

گزارش «خروجی‌های علمی ایران: کمیت، کیفیت و فساد»

جدیدترین مستند پروژه استنفورد - ایران ۲۰۴۰ با عنوان "خروجی‌های علمی ایران: کمیت، کیفیت و فساد" در ۲۵ صفحه و به زبان انگلیسی در فوریه ۲۰۱۹ منتشر شد. نویسندگان این مستند اهداف خود از انجام این طرح را در چند عنوان بیان کرده‌اند:

- ادعای سران کشور و صدا و سیما در پیشرفت‌های علمی کشور،
- اثرات اجتماعی اقتصادی و سیاسی آن‌ها،
- کیفیت مقالات علمی، مقایسه پیشرفت ایران با کشورهای دیگر در حوزه علمی،
- و نتایج مثبت و منفی این پیشرفت‌ها.

در راستای دستیابی به اهداف بالا، این گزارش به رصد تعداد مقالات علمی، کیفیت آن‌ها، همکاری بین‌المللی، و فساد علمی در کشور پرداخته است. در این مستند ادعا شده که ۴۵۰ هزار مقاله از جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۸ میلادی و به تفکیک سه رئیس‌جمهور (خاتمی، احمدی‌نژاد، و روحانی) بررسی شده است. این گزارش بر این نکته تأکید دارد که از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۸ تعداد مقالات (در این بررسی تنها مقالات منتشر شده در مجلات علمی شمرده شده و کتاب‌ها، فصول کتاب، مقالات کنفرانسی و برخی مستندات دیگر علمی کشور شمارش نشده است) از ۱۰۰۰ به ۵۰ هزار عدد بالغ شده (رشد ۵۰ برابری) و سهم ایران از تولید علم جهان از ۰/۱ درصد به ۲/۶ درصد رسیده است. همچنین ادعان شده که ایران از کشورهای ترکیه، کره جنوبی، چین و هند که از سرعت رشد زیادی برخوردارند، رشد بیشتری داشته است. البته نگارندگان گزارش، این رشد را به تعداد زیاد دانشجویان تحصیلات تکمیلی و اجبار برای انتشار مقاله و نیز فشار بر اعضای هیئت علمی برای منتشر نمودن مقاله برای ارتقای سالیانه نسبت داده‌اند. این گزارش همچنین بر رشد نامتوازن تعداد دانشجویان به اعضای هیئت علمی تأکید دارد و بر این فرض، نتیجه‌گیری شده که انتظار کاهش کیفیت مقالات منتشر شده از جمهوری اسلامی ایران قابل پیش‌بینی بوده است، ولی جالب است که داده‌های ارائه شده در این گزارش نشان می‌دهد که علی‌رغم افزایش شدید دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در تمامی حوزه‌های علمی کیفیت ثابت بوده، الا حوزه پزشکی که با کاهش اندکی روبه‌رو بوده است. داده‌های این گزارش نشان می‌دهد که ۷۲ درصد مقالات کشور در مجلات معتبر بین‌المللی، ۱۹ درصد در مجلات داخلی، و ۹ درصد در مجلات کم کیفیت منتشر شده است. این گزارش همچنین نشان می‌دهد که ۸۰ درصد مقالات کشور را نویسندگانی منتشر نموده‌اند که در جمهوری اسلامی ایران اقامت دارند و تنها ۲۰ درصد مقالات منتشره از کشورمان با همکاری

* دکتر سیدمهدی سیدی

محققان خارج از کشور بوده که از این تعداد نیز تنها در ۶/۵ درصد موارد، نویسنده مسئول مقاله در خارج از کشور اقامت داشته است. در این گزارش ادعا شده که ارجاعات به مقالاتی که خارجیان در تهیه آن همکاری داشته‌اند دو برابر مقالاتی است که تمامی نویسندگان از داخل کشور بوده‌اند می‌باشد.

در فراز همکاری بین‌المللی، این گزارش ادعا دارد که مسئولان کشور از همکاری‌های بین‌المللی هراس دارند و در حاشیه، به اثرات تحریم‌ها نیز اشاره شده است. در این گزارش ادعا شده کمترین درصد مقالات مشترک با کشورهای خارجی در سال ۲۰۱۳ بوده که پس از آن با یک شیب کند رو به افزایش است. این افزایش همکاری‌ها به مهاجرت دانشجویان از کشور، اشتغال به کار آن‌ها در دانشگاه‌های خارج از کشور پس از فراغت از تحصیل، و همکاری آن‌ها با دانشگاه‌های داخل کشور نسبت داده شده است. در این گزارش آمریکا، کانادا، بریتانیا، آلمان و مالزی ۵ شریک علمی اول ایران عنوان شده‌اند.

بخش زیادی از این گزارش، به فساد علمی در کشورمان اختصاص دارد و برای این هدف، گزارش به بررسی ۱۴۴ محققانی که دارای مقالات علمی زیاد هستند (بیش از بیست مقاله در سال) پرداخته است. این افراد در این مستند به سه گروه تقسیم شده‌اند که اولین گروه محققان کوشا هستند که مقالات علمی خوبی منتشر می‌کنند، دومین گروه مقامات بلندپایه کشوری هستند که علی‌رغم کارهای زیاد اجرایی، با زد و بند، هر ساله تعداد زیادی مقاله منتشر می‌کنند، و سومین گروه محققانی را تشکیل می‌دهد که مقالات بی‌کیفیت، و یا با سرقت علمی مقاله منتشر می‌کنند. این گزارش مدعی شده که این مسئولان که خود دارای فساد علمی هستند اقدامی برای جلوگیری از فساد علمی نخواهند کرد. البته برای ادعاهای مطرح‌شده در این گزارش، آمار و مدرک مستدل علمی ارائه نشده و تنها عنوان شده که ایران از نظر حذف مقالات به دلیل سرقت علمی از مجلات علمی معتبر علمی در رأس کشورهای دنیاست. بخش دوم فساد علمی در کشور، به موسسات تهیه مقاله اختصاص دارد که در گزارش ادعا شده که انتشار مقاله از این مؤسسات مانند آتشی است که دانشگاه‌های کشور را در می‌نوردد.

در بخش انتهایی این مستند به جمع‌بندی پرداخته شده است. جالب است که این جمع‌بندی ارتباطی با محتویات تحقیق شده در گزارش ندارد و تنها به طرح چندین ادعای بدون سند و مدرک اکتفا شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عدم تلاش و موفقیت کشور در اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها،
۲. عدم توجه مقالات به اولویت‌های کشور و توجه صرف به انتشارپذیری مقالات،
۳. تهیه و نگارش مقالات کشور توسط دانشجویان و بی‌توجهی اساتید به محتویات،
۴. ناچیز بودن برون دادهای علمی صرف‌نظر از تعداد مقالات،
۵. فساد علمی در کشور در نتیجه فشار بر اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان تحصیلات تکمیلی،
۶. آگاهی مقامات کشور علی از مؤسسات تهیه مقالات قلابی، و عدم برخورد با این پدیده،
۷. کسب مقام اول ایران در مقالات حذف شده و سرقتی از مجلات در جهان،
۸. رجوع شرکت کنندگان برای جذب در دانشگاه‌ها به عنوان عضو هیئت علمی به مؤسسات تهیه مقاله و یا مقاله‌سازی.

تحلیل گزارش

علی‌رغم تحمیل تحریم‌های ناجوانمردانه نظام سلطه، به فضل الهی و تلاش محققان کشور، نظام جمهوری اسلامی به چنان موفقیت‌های علمی دست‌یافته که باور آن برای دشمنان نظام غیرممکن است و لذا نظام سلطه تلاش دارد تا با انجام پروژه‌هایی مانند "استنفورد - ایران ۲۰۴۰" و انتشار آن در سطح جهانی، پیشرفت‌های علمی آینده کشور را مورد سؤال قرار دهد و با این وسیله روند سریع رشد را کند نماید. لازم به ذکر است که این محققان خارج‌نشین شاید آگاه نیستند که برای محققان کشورمان، حتی "آب" در زمره مواد تحریمی است، و تهیه زیرساخت‌ها، تجهیزات و دستگاه‌های مورد نیاز تحقیق در سایه تحریم‌ها بسیار مشکل است ولی با این وجود اذعان نویسندگان گزارش به سهم ۲/۶ درصدی جمهوری اسلامی ایران از تولید علم جهانی، و یا رشد ۵۰ برابری تعداد مقالات در بازه زمانی مورد بررسی در این گزارش، نشان از شکست تحریم‌ها در حوزه علمی دارد.

آنان اذعان کردند که در صورت نبود تحریم‌ها، این جوانان چه خواهند کرد. این گونه مطالب بایستی باعث غرور از یک سو و از سوی دیگر استمرار تلاش جهاد گونه علمی در آینده باشد. از لحاظ کیفیت مقالات، نویسندگان گزارش به خوبی آگاهی دارند که تحریم‌های ناجوانمردانه علمی، دسترسی جوانان کشور را به تجهیزات و ادوات تحقیقات مدرن علمی را بسیار مشکل کرده ولی با این وجود انتشار مقالات علمی در مجلات بسیار معتبر علمی از سوی محققان کشور، آنان را به سردرگمی دچار کرده است. آمارتایید علمی توسط نظام سلطه به حدی حاکم است که بدون

شرم، بسیاری از مجلات علمی جهان تنها به دلیل اینکه این مقاله از جمهوری اسلامی ایران است، از انتشار آن جلوگیری می‌کنند و یا پس از اتمام وقت زیاد و به بهانه‌های واهی از انتشار مقالات ارسالی از جمهوری اسلامی ایران سر باز می‌زنند. با وجود این همه مشکلات، که نظام سلطه و نویسندگان این گزارش به‌طور دقیق از آن آگاهی دارند، موفقیت‌های جوانان کشورمان خود فروختگان را چنان به مالیخولیا دچار کرده که در نتیجه‌گیری این مستند تنها به طرح مسائلی می‌پردازند که در گزارش هیچ تحقیقی در مورد آن‌ها صورت نگرفته است و تمرکز خود را بر مخدوش کردن اعتبار علمی و رشد در کشورمان نهاده‌اند. البته بایستی به افزایش کیفیت (که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری بوده) و حل مسائل کشور از طریق تحقیق، و ارتباط صنعت و دانشگاه توجه بسیار بیشتری داشت. افزایش بودجه تحقیق و توسعه از تولید ناخالص ملی (که در سیاست‌های کلی علم و فناوری بر آن تأکید شده) متأسفانه هنوز محقق نشده، که در صورت تحقق می‌تواند در بالا بردن هر چه بیشتر کیفیت تحقیقات در کشور نقش بسیار مؤثری داشته باشد. تعدادی از مقالات منتشره از تمامی کشورهای دنیا از مجلات علمی حذف می‌شود که جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از این کشورهاست که عدم تسلط بر زبان انگلیسی یکی از مهم‌ترین دلایل آن است. در مجلس شورای اسلامی در سال گذشته قانونی برای کاهش تقلب‌های علمی وضع شده و دولت نیز آیین‌نامه اجرایی آن را تدوین و به مورد اجرا گذاشته است که مسلماً فساد علمی را کاهش خواهد داد. البته تعداد غیرمعمول مقالات منتشره از سوی برخی وزرا و معاونین آنان، با وجود اشتغالات اجرایی فراوان، زیننده جامعه علمی کشور نیست که این امر بایستی مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

یک نکته مهم این گزارش تلاش نظام سلطه در به‌کارگیری جوانان ایرانی تحصیل کرده مهاجر به کشورهای اروپایی و آمریکایی است، نکته‌ای که در جمهوری اسلامی ایران برنامه ویژه‌ای برای آن تدوین نشده است. میلیون‌ها ایرانی مهاجر به مثابه لشگری برای نظام هستند و علی‌رغم وجود تعداد بسیار محدود عناصر خود فروخته، اکثر آنان عشق به کشور دارند و می‌توانند به عنوان سرباز کشور در خارج انجام‌وظیفه نمایند. تجربه موفق چین در سال‌های اخیر به شکوفایی بی‌نظیری منجر شده به‌طوری که رییس جمهور آمریکا اخیراً تمامی دانشجویان چینی در آمریکا را جاسوس نامیده است.

پشت‌پرده‌های گزارش

اگرچه در گزارش تلاش شده تا این مستند یک مستند غیرسیاسی جلوه داده شود و از سوی یک دانشگاه صاحب‌نام منتشر شود، ولی نگاهی به حامیان مالی آن نشان از واقعیت دیگری دارد. یکی از حامیان مالی این گزارش "برنامه حمید و کریستینا مقدم برای مطالعات ایران" است. این دو فرد در سال ۲۰۰۶ با اهدای مبالغ هنگفتی برنامه جامعی را دانشکده علوم انسانی و علوم دانشگاه استنفورد پایه‌گذاری کردند تا حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی ایران را مورد بررسی قرار دهد. این برنامه سپس توسط سه فرد ایرانی دیگر مورد حمایت مالی قرار گرفته و ۱۳ سال است که اجرایی شده است. با سرمایه‌گذاری هنگفت این آمریکایی‌های ایرانی تبار، گرایش مطالعات ایران در دانشگاه استنفورد تأسیس شده، به دانشجویان بورس داده می‌شود، مقالات زیادی در ارتباط با ایران تدوین شده، کنفرانس‌های علمی برگزار شده و می‌شود، و افراد خود فروخته برای همکاری به‌کار گمارده شده است. جالب است که فرد شناخته شده‌ای برای ملت ایران مانند اردشیر زاهدی نیز برنامه‌ای را با سرمایه خود راه‌اندازی کرده که هدف آن مطالعه مدارکی است که ایشان از کشور خارج کرده و حال در اختیار دانشگاه استنفورد قرار داده تا دانشجویان بر روی آنان تحقیق کنند. بورس خانواده اردشیر زاهدی برای دانشجویان بالغ بر ۱۲ هزار دلار برای ۱۲ هفته برای هر دانشجویست است و در این بورس هزینه سفر، روادید، بیمه سلامت نیز جداگانه محاسبه شده است. مدیر برنامه مطالعات ایران را عباس میلانی برعهده دارد و تعدادی ایرانی دیگر نیز وظیفه تربیت، تدریس و تحقیق دانشجویان را برعهده دارند که از آن جمله می‌توان به بهرام بیضایی (فیلمساز) اشاره کرد.

با توجه به موارد بالا، روشن است که نظام سلطه برای کم رنگ کردن پیشرفت‌های کشورمان (به‌ویژه در حوزه علمی) از سال‌ها پیش و با استفاده از حمایت مالی ایرانیان خودفروخته برنامه‌ریزی کرده و حال تلاش دارد تا برای کشور آینده‌نگاری کند و سناریوهای محتمل را ارائه نماید. پاسخ اصلی ملت ایران در میدان عمل داده خواهد شد که با بیانیه گام دوم انقلاب به حول و قوه الهی اجرایی و عملیاتی خواهد شد. انشالله گزارش‌های بی‌ارزش، غیرمستند و سیاسی نظیر "استنفورد - ایران ۲۰۴۰" ارزش پاسخگویی و اتلاف وقت ندارد ولی نویسندگان گزارش در آینده شاهد پیشرفت‌های بیشتر جمهوری اسلامی در تمامی ابعاد خواهند بود و این گونه گزارش‌های غیرمستند و سیاسی اثری بر جامعه نخواهد گذاشت. از مبادی رسمی کشور را ندارد و پیشنهاد می‌شود تا پاسخ و تحلیلی بر این گزارش توسط یکی از انجمن‌های علمی کشور به مسئولان دانشگاه استنفورد و سایر مجامع علمی جهان ارسال گردد.